

وضعیت محرومیت و فاصله طبقاتی در دوره پهلوی دوم؛ واکاوی عوامل و زمینه‌ها

علیرضا نادری *

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۶/۱۵

حمیدرضا هوشنگی **

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱۰/۲۳

چکیده

وضعیت اقتصادی و میزان رشد و توسعه ایران در دوران پرفراز و نشیب حکومت پهلوی، سؤالی است که همواره ذهن پژوهشگران حوزه انقلاب اسلامی را به خود مشغول کرده و با وجود مسائل گوناگونی که پیرامون آن مطرح شده است، تحقیقات مستند قابل توجهی در این زمینه اجرا نشده است. این تحقیق تلاش می‌کند با استفاده از روش تحلیل مضمون در مستندات منتشرشده توسط نزدیکان و کارگزاران حکومت پهلوی و با استناد به آمار و خاطرات رسمی و شفاهی از جمله تاریخ شفاهی هاروارد شامل مصاحبه با کارگزاران پهلوی، خاطرات اسدالله علم، تاریخ کمبریج، اسناد لانه جاسوسی آمریکا در ایران و... ضمن بررسی وضعیت اقتصادی و معیشتی به تحلیل سیاسی و اجتماعی برخی موارد مهم چون عوامل گسترش فقر و محرومیت و افزایش فاصله طبقاتی بپردازد و مضمونهای اصلی ذیل را در ایجاد زمینه‌های افول اقتصاد ایران و کیفیت معیشت جامعه به دست آورد: ۱. مشکل ساختاری اصلاحات ارضی که با هدف کاستن نقش فئودالها صورت گرفت به طبقه رعیت کمکی نکرد و عملاً محرومیت با شکلهای جدید ادامه پیدا کرد. ۲. عدم توزیع منابع مختلف مادی به دلیل نبود نهادهای میانجی میان دولت و حکومت. ۳. عمل نکردن مناسب به قانون اساسی و زیرپا گذاشتن مفاد مدنی مربوط به اجرای عدالت اجتماعی به دلیل ساختار اقتدارگرای حکومت.

کلیدواژه‌ها: پهلوی، توسعه اقتصادی، فقر، فاصله طبقاتی، محرومیت.

* نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام ar.naderi@isu.ac

** استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام h.houshangy@isu.ac.ir

مقدمه

توسعه اقتصادی همواره یکی از دستورکارهای حکومتها در کنار دیگر موارد توسعه‌ای بوده است؛ اما به دلیل پیچیدگی توسعه اقتصادی و همبستگی آن با دیگر موارد، نیازمند الگویی دقیق و کارآمد است. هر چند در میان آثار مختلف به موضوع توسعه در عصر پهلوی پرداخته شده است، در این تحقیق با نگاهی انتقادی به الگوی توسعه‌ای پهلوی به طور خاص به بررسی عوامل گسترش فقر و محرومیت در جامعه و زمینه‌های افزایش فاصله طبقاتی پرداخته می‌شود. تحلیل جزئی این سه مشکل، نوآوری این تحقیق نسبت به دیگر آثار در حوزه الگوی توسعه‌ای پهلوی است. اهمیت این سه محور به این دلیل است که هدف توسعه اقتصادی در هر کشوری در نهایت این است که به افزایش کیفیت زندگی مردم بینجامد؛ اما در سالهای حکومت پهلوی دوم شاهد نتیجه معکوس هستیم. سؤال اینجاست که با وجود درآمدهای سرشار نفتی و کمکهای خارجی، که در دوران حکومت محمدرضا پهلوی نصیب کشور می‌شد، آیا حکومت توانست شاخص توسعه اقتصادی را افزایش دهد و تا چه حد در بهبود کیفیت زندگی شهروندان مؤثر بوده است.

در این تحقیق با بررسی خاطرات و مصاحبه‌های افراد و نزدیکان خاندان پهلوی چون اسدالله علم، نخست وزیر و وزیر دربار، هم‌چنین با نگاهی بر مستندات اطلاعاتی لانه جاسوسی امریکا در ایران و مصاحبه‌های افراد شاخص در حکومت پهلوی و نیز آمار رسمی اقتصادی، شاهد روند رو به افولی در سامانه اداره کشور و رشد و توسعه اقتصادی هستیم تا جایی که این وضعیت به مرور زمان و با افزایش جمعیتی که با تورم روزافزون روبه‌رو بودند، موجب افزایش خط فقر و فاصله طبقاتی در میان مردم شد که نتیجه توسعه نامتوازن و ناکارآمد بود. مسئله اصلی تحقیق این است که علت عدم توسعه زیرساختی با وجود درآمدهای سرشار نفتی و فعالیت مراکزی چون سازمان برنامه و وزارت اقتصاد چه بوده است که باعث بروز مشکلاتی در جامعه از قبیل فقر، محرومیت و فاصله طبقاتی شد.

روش تحقیق

تحلیل مضمون، روشی است که هم برای بیان واقعیت و هم برای تبیین آن به کار می‌رود و تا حدودی شبیه تحلیل محتوا است؛ با این حال، تحلیل محتوا بیشتر بر سطوح خردتر تمرکز دارد و

غالباً فراوانی داده‌ها را نشان می‌دهد و امکان تحلیل کمی داده‌های کیفی را فراهم می‌کند. یکی از اشکالات تحلیل محتوا این است که یا معمولاً به بافت داده‌ها توجه نمی‌کند یا بسیار کم توجه می‌کند و این باعث می‌شود غنای داده‌ها بشدت کاسته شود؛ ولی در تحلیل مضمون، واحد تحلیل، بیشتر از یک کلمه یا اصطلاح است و به بافت داده‌ها و نکات ظریف آنها بیشتر توجه می‌شود. هم‌چنین، تحلیل مضمون از شمارش کلمات و عبارات آشکار، فراتر می‌رود و بر شناخت و توضیح افکار صریح و ضمنی تمرکز می‌کند؛ سپس از شناسه‌های مضمونهای اصلی برای تحلیل عمیق‌تر داده‌ها استفاده می‌شود (شیخ‌زاده، ۱۳۹۰: ۵۷). در این نوشتار از روش تحلیل «شبکه مضمونی» که توسط «آتراید و استرلینگ»^۱ معرفی شد، بهره برده می‌شود. در این روش تلاش می‌شود از متن به مضمونهای پایه‌ای، مضمونهای سازماندهنده و مضمونهای فراگیر دست پیدا کنیم. تحلیل شبکه مضمونی را می‌توان به‌طور کلی به سه بخش اصلی تقسیم کرد: اول تجزیه متن بدین صورت که تمام مطالب مرتبط با موضوع با ذکر منبع در فیشهای جداگانه در دسته‌بندی کلی استخراج می‌شود، دوم اکتشاف متن به صورت کشف ارتباط فیشها و دسته‌بندیهای کلی و قرار دادن آنها در کنار یکدیگر و سوم یکپارچه کردن اکتشافها یعنی کشف ارتباط میان مضمونها برای دستیابی به موارد موضوع تحلیل (Stirling - Attride, 2001: 390) به‌نقل از ردادی، درخشه و افتخاری، ۱۳۹۴: ۵۳). متونی که در این نوشتار مورد تحلیل قرار می‌گیرد از آثار منتشرشده توسط نزدیکان و کارگزاران حکومت پهلوی دوم است که به نوعی اعتراف‌گونه، و نیز شامل گزارشهایی محرمانه از درون حوادث است که بیشتر حول موضوعات مالی، اقتصادی، تجاری، گمرک، رفاهی، توسعه‌ای و اخلاقی نوشته شده است. در این تحقیق ابتدا الگوی توسعه‌ای پهلوی به روش توصیفی تحلیلی به اختصار ارائه، و سپس عوامل و زمینه‌های شکست برنامه‌ها و افزایش فقر و محرومیت و فاصله طبقاتی با مضمونهای مرتبط در آن آثار، تحلیل خواهد شد. ابتدا تمامی فیشهایی که گویای وضعیت اقتصادی، معیشتی و طبقاتی دوران پهلوی و نیز اسناد مربوط به تصمیمات و عملکردهای اقتصادی و اجرایی است، استخراج، و سپس با قراردادن آنها در دسته‌بندی مضمونهای پایه‌ای، ارتباط این عوامل و آثاری که بر جامعه مترتب شده، کشف و به‌صورت تحلیلی ارائه خواهد شد.

1. Attride - Stirling

پیشینه تحقیق

آثار متعددی در شرح و نقد حکومت پهلوی و سیاستهای آن نوشته شده که به موضوعات اقتصادی و توسعه‌ای به‌طور کلی پرداخته است. فلاح‌زاده در کتاب «رضا خان و توسعه ایران» به شرح سیاستهای توسعه‌ای رضاخان در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی پرداخته است. ملک محمدی نیز در کتاب «از توسعه لرزان تا سقوط شتابان» به‌طور خاص به موضوع توسعه اقتصادی - نظامی و تأثیر آن بر بی‌ثباتی سیاسی رژیم پهلوی دوم پرداخته است. ابراهیم عباسی در کتاب «دولت پهلوی و توسعه اقتصادی»، توسعه حکومت پهلوی را از دید اقتصاد نئوپاتریمونیاژیستی بررسی کرده است. هم‌چنین در میان نویسندگان خارجی نیز فرانسویس بوستاک و جفری جونز در کتاب «برنامه‌ریزی و قدرت در ایران»، توسعه اقتصادی زیر سلطه شاه را با تمرکز بر ابوالحسن ابتهاج، مدیر عامل سازمان برنامه و مدیر بانک ملی، توصیف و آسیب‌شناسی کرده است. نوآوری این تحقیق به دو دلیل حائز اهمیت است: ۱. اتکا به اسناد رسمی محرمانه و خاطرات کارگزاران حکومت پهلوی به‌عنوان منابع دست اول و تحلیل مضمون روشمند آنها ۲. تمرکز بر موضوع خاص محرومیت و فاصله طبقاتی به‌عنوان ثمره الگوی توسعه‌ای حکومت پهلوی

از جمله نظریه‌هایی که درباره توسعه در کشورهای جهان سوم مطرح شده، نظریه دولتهای اقتدارگرای بوروکراتیک است که توسط گیلرمو اودانل^۱ ارائه شده است. در این نظریه عنوان می‌شود که جوامع توسعه‌نیافته به‌منظور گذار از وضعیت سنتی و دستیابی به مدرنیته به «دولت مقتدر مرکزی و بوروکرات» نیاز دارند. براساس این نظریه ویژگیهای دولت اقتدارگرای بوروکراتیک، کاربرد مؤثر زور در تمامی عرصه‌ها، موفقیت نظام در کاهش مشارکت مردم در تصمیم‌گیریهای سیاسی، حاکمیت دیوانسالاران، انحصار سیاسی، انحصار اقتصادی، سیاست‌زدایی و تعمیق سرمایه‌داری وابسته است (نیکفر و علی‌یاری، ۱۳۹۶: ۲۱۲). دال مرکزی گفتمان دولت اقتدارگرای بوروکراتیک، حفظ اقتدار حاکمیت از طریق توسل به زور در تمامی عرصه‌ها از جمله اقتصادی است؛ لذا با ایجاد انحصار در لایه‌های زیرساخت اقتصادی و تولید، عملاً فعالیتی در جهت کسب منافع گروهی خاص و نه عامه مردم انجام می‌گرفت. همین مسئله در دراز مدت باعث شد تا با کاهش رشد اقتصادی کشور، گروه خاص سرمایه‌داران انحصارطلب و طرفدار دولت اقتدارگرای

1. Guillermo o'donnell

بوروکراتیک، ثروتمندتر، و قشر متوسط تضعیف شدند که حاصل آن چیزی جز افزایش فاصله طبقاتی در جامعه نبود.

در نظر گرفتن مؤلفه‌هایی مانند نظامیگری، گسترش دیوانسالاری و بروز تحولات در بخش صنعت و تجارت، انحصار سیاسی و دفع مشارکت سیاسی مردم به‌عنوان ویژگی‌های برجسته دولت محمدرضا شاه در دهه ۱۳۴۲ - ۱۳۳۲ و نیز مقایسه آنها با ویژگی‌های حکومت‌های مورد نظر در نظریه اودانل امکان می‌دهد حکومت محمدرضا شاه در این دهه را از مصداق‌های این نظریه بدانیم و یک نمونه از دولت اقتدارگرای بوروکراتیک به‌شمار آوریم. رژیم اقتدارگرای بوروکراتیک در ایران محصول دوران تغییر ساختار اقتصادی کشور از اقتصاد سنتی مبتنی بر سلطه زمین‌داران و بازار به اقتصاد سرمایه‌داری صنعتی است (نیکفر و علی‌یاری، ۱۳۹۶: ۲۱۲). نخستین گام در راه توسعه اقتصادی به دوره پیش از افزایش درآمدهای نفتی باز می‌گردد. هدف اساسی دولت در این دوره، ترجیح بخش کشاورزی به دیگر بخشها در کشور بود. دومین گام، پس از افزایش بهای نفت و زیاد شدن درآمدهای کشور برداشته شد. در این دوره، ترجیح اساسی صنعتی شدن کشور بود.

نخستین برنامه توسعه ایران، هفت ساله بود. این برنامه، پس از بررسی توسط متخصصان خارجی در سال ۱۳۲۷ آغاز شد و تا سال ۱۳۳۴ ادامه یافت. دولت در اجرای این برنامه با مشکلات فراوانی روبه‌رو بود. مهمترین مشکل، کم‌تجربگی کشور در اجرای برنامه بود. نبود اطلاعات، روشها و فنون لازم نیز اجرای برنامه را مشکل می‌کرد. تصمیمات شخصی، اجرای برنامه‌ها را مختل می‌کرد و تا مرحله تناقض با اهداف پیش می‌برد. اهداف برنامه نیز شفاف بیان نشده بود. از میان اهداف کلی و عمومی این برنامه، مواردی مانند اهمیت بخش کشاورزی و برآوردن نیازهای کشور چشمگیر است. هرچند در بخشهای مربوط به اهداف اعلام شده برنامه به مواردی مانند توسعه بخش صنعتی از طریق به‌کارگیری سرمایه‌ها، بهره‌گیری از منابع زیرزمینی به‌منظور تحقق اهداف برنامه و توسعه بخش نفت به‌عنوان مهمترین بخش صادرات کشور می‌توان اشاره کرد؛ اما این برنامه در ارزیابی نهایی، ناموفق بود. مشکلات گوناگون از نبود امنیت در سرمایه‌گذارها و کم‌بودن کلی سطح دستمزدها گرفته تا سنتی بودن نظام کشاورزی، ناکافی بودن صادرات در برابر واردات بسیار، نبود آمار دقیق که مبنای مستحکم برنامه‌ریزی است، مقررات اداری ناکارآمد و سرانجام، نبود برنامه‌ریزان باتجربه و با صلاحیت، عوامل ناکارآمدی برنامه اول توسعه بود (ملک محمدی، ۱۳۸۱: ۳۰). چهار برنامه دیگر نیز به دلایل مشابهی به نتیجه مطلوب نرسید که در ادامه بررسی خواهد شد:

- برنامه دوم: ماشینی کردن کشاورزی، توجه به آموزشهای تخصصی، صنایع غذایی، استخراج و ذوب فلزات، لاستیک‌سازی، سدسازی و...

- برنامه سوم: پرداختن به کشاورزی، صنعت، افزایش درآمد ملی، ایجاد اشتغال و مقابله با پدیده بیکاری و رسیدن به نوعی تعادل در درآمدها و هزینه‌ها

- برنامه چهارم: افزایش شتاب توسعه اقتصادی کشور، افزایش میزان بازده سرمایه‌گذاریها، گسترش تحقیقات علمی، بهینه‌سازی شرایط زندگی شهری و روستایی و...

- برنامه پنجم: توسعه منطقه‌ای، محیط زیست، کشاورزی، انرژی، توسعه منابع آب، نفت، گاز، برق، حمل و نقل و... (ملک محمدی، ۱۳۸۱: ۳۱ و ۳۲).

در نگاه کلی، روند تولید ناخالص داخلی ایران در طی اجرای این برنامه‌ها رو به رشد بود؛ اما این نکته حائز اهمیت است که منبع اصلی اجرای تمام این برنامه‌ها نفت بود؛ نفتی که به دولت شانس رسیدن به توسعه پایدار را می‌داد اما در ادامه خواهیم دید که روند رو به افزایش درآمد نفتی نه تنها به توسعه زیرساخت اقتصادی کشور کمکی نکرد، بلکه با سیاست توسعه تمرکزگرایانه پادشاه، برنامه‌های تخصصی پنجگانه نیز به نقطه هدف مطلوب نرسید و صرفاً دولت را به سمت رانتی شدن و وابستگی شدید به نفت سوق داد. اسدالله علم در این زمینه می‌نویسد:

"عاملی که به این از هم‌گسیختگی یاری کرد، افزایش درآمد نفت بود که به گمان شاه می‌بایست در سالهای آینده نیز همچنان ادامه یافته و به او امکان دهد به رؤیاهای دیرینه خود درباره قدرت نظامی و اقتصادی ایران به آن‌گونه که خود تعبیر می‌کرد، جامه عمل بپوشد. او دیگر دلیلی برای مراعات انضباط مالی و توجه به امکانات نیروی انسانی و زیرساخت موجود کشور نمی‌دید و آرزو داشت همه خوابها و خواسته‌های گذشته‌اش را در مدتی کوتاه با میانبر زدن در روش اجرای طرحها عملی سازد؛ به این سان به آنچه پیش از افزایش ناگهانی درآمد نفت موجب پیشرفت کشور شده بود، پشت پا زد و راهی را در پیش گرفت که موجب تورم شدید، کمبود کالا و خدمات ضروری و ناخرسندی توده مردم شد" (علم، ۱۳۵۲: ۱۲).

افزایش درآمدها

درآمدهای نفتی علاوه بر کمکهای خارجی و صادرات، مهمترین منبع درآمدی دولتهای پهلوی بوده است. در ایران از زمان پیدایش و تولید نفت تا زمان ملی شدن آن، تولید این ماده بجز در دوره سه‌ساله بعد از جنگ جهانی دوم، روند صعودی داشت. پس از اعلام ملی شدن صنایع

نفت، این میزان سیر نزولی را طی می‌کند؛ اما درآمدهای فروش نفت، پس از ملی‌شدن این منبع و گذار از دوره بحرانهای ناشی از آن، رشد قابل توجه را نشان می‌دهد. در فاصله سالهای ۱۳۴۱ - ۱۳۵۰، درآمدهای نفت بیش از پنج برابر رشد دارد. عایدات نفت در سال ۱۳۴۱ از هر تن، حدود ۶/۴ دلار بود که این رقم در سال ۱۳۵۰ به نزدیک ۹/۳ دلار می‌رسد که در جدول ذیل آمده است (ملک محمدی، ۱۳۸۱: ۵۹).

جدول ۱. میزان درآمدهای نفتی ایران از ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۶

سال (میلادی - شمسی)	درآمد نفتی (میلیارد ریال)
۱۳۴۱ - ۱۹۶۳	۳۰/۴
۱۳۴۲ - ۱۹۶۴	۳۳/۰
۱۳۴۳ - ۱۹۶۵	۴۱/۲
۱۳۴۴ - ۱۹۶۶	۴۴/۳
۱۳۴۵ - ۱۹۶۷	۵۲/۱
۱۳۴۶ - ۱۹۶۸	۱۲۸/۳
۱۳۴۷ - ۱۹۶۹	۱۴۳/۰
۱۳۴۸ - ۱۹۷۰	۱۷۰/۰
۱۳۴۹ - ۱۹۷۱	۲۵۶/۵
۱۳۵۰ - ۱۹۷۲	۳۰۲/۱
۱۳۵۱ - ۱۹۷۳	۴۶۸/۸
۱۳۵۲ - ۱۹۷۴	۱۳۹۴/۴
۱۳۵۳ - ۱۹۷۵	۱۵۸۲/۱
۱۳۵۴ - ۱۹۷۶	۱۸۳۶/۴
۱۳۵۵ - ۱۹۷۷	۲۰۳۴/۲
۱۳۵۶ - ۱۹۷۸	۱۵۹۸/۶

(تهیه شده بر اساس گزارش سالانه بانک مرکزی ایران، سالهای ۱۳۴۸، ۱۳۵۰، ۱۳۵۴، ۱۳۵۷)

با مقایسه جدول و نمودار تولید ناخالص ملی مشاهده می‌شود که آشکارترین شاهد صنعتی بودن رشد اقتصادی در سال ۱۳۵۲ است که سهم عواید نفت به دلیل چهار برابر شدن قیمت نفت به ۵۰ درصد تولید ناخالص ملی رسید؛ اما پس از اینکه فرصت کافی برای جذب آن در

اقتصاد فراهم شد، این سهم در سال ۱۳۵۶ به ۳۴ درصد کاهش یافت؛ یعنی کمی بیش از یک سوم تولید ناخالص ملی مستقیماً توسط عواید نفت تأمین می‌شد (همایون کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۳۰۲). این در حالی است که درآمدهای نفتی طبق برنامه‌های توسعه می‌بایستی به گونه‌ای در صنعت سرمایه‌گذاری شود که ضمن رشد زیرساخت‌های توسعه‌ای کشور، تولید کالا و خدمات افزایش یابد و خود را به صورت صعودی در شاخص تولید ناخالص ملی نشان دهد.



نمودار ۱. شاخص تولید داخلی بین سالهای ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۶ (وبسایت بانک جهانی^۱)

اکنون این سؤال به وجود می‌آید که پس سرنوشت درآمدهای نفتی چه شد. همان‌طور که در سند خیلی محرمانه سفارت سابق امریکا توسط استانلی. تی. اسکودرو بیان شده است، اغلب این عایدیها به صلاحدید شخص پادشاه در امور عمرانی صرف می‌شد در حالی که به اعتقاد اقتصاددانان، توسعه زیربنایی و صنعتی بر توسعه‌های عمرانی غیر ضرور مانند کاخ و شهرسازی مقدم است؛ چرا که تورم و شاخص قدرت اقتصادی جامعه به‌طور مستقیم به میزان تولید ناخالص بستگی دارد نه میزان کاخها و ساختمانها. همین عوامل رفته‌رفته باعث شد تا گفتمان توسعه‌ای شاه، که گروه هدفش درباریان بود نه قشر ضعیف و متوسط جامعه بتدریج مقدمات سقوط را فراهم کند. "دو واقعه در مرحله نهایی سقوط نقش بسیار بسزایی داشته است. واقعه یا عامل اول و مهمتر

1. <https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.CD?locations=IR>

تصمیم سال ۱۹۷۴ شاه مبنی بر استفاده از درآمد افزایش یافته نفتی ایران در تسریع حرکت برنامه‌های عمرانی ملی بود که با پذیرفته شدن این خطر همراه بود که ممکن است تولید آن قدر افزایش نیابد که موجب افزایش تقاضا و از بین رفتن تورم شود. در زمان آغاز این تصمیم ایران تورم دو رقمی داشت و کشور فاقد زیربنای فیزیکی، نیروی انسانی باتجربه و مدیریت متخصص ضروری به منظور جذب برنامه‌هایی معادل ۵۰ درصد برنامه‌های جاه طلبانه بود. این کمبودها در نتیجه تلاش و سرسپردگی شاه به تجهیز غیر ضروری و بیش از حد ارتش، بیشتر جلوه گر شد. در نتیجه در تمام موارد، برنامه‌های عمرانی ناموفق ماند؛ ولی تورم رو به افزایش گذاشت. سطح تورم در حال حاضر بیش از ۵۰ درصد است. با وخیم تر شدن وضع اقتصادی، شکاف در توزیع درآمدها آشکارتر شد. نارضایتی مردم افزایش یافت و توان رژیم در استفاده از منابع مالی به عنوان وسیله حفظ بقای خود رو به ضعف نهاد (کتاب ۶۳ اسناد لانه جاسوسی، سند ۱۲، ص ۴۴).

آثار سیاستهای توسعه‌ای

در این تحقیق ابتدا شرح مختصری از آثار سیاستها و الگوی توسعه‌ای پهلوی، هم‌چنین وضعیت کلی اقتصادی و معیشتی دوران پهلوی دوم ارائه، و سپس مضمون‌نهایی تحلیل می‌شود که با عوامل و زمینه‌های بروز این موارد مرتبط بود. سیاستهای توسعه‌ای حکومت بویژه در بخش اقتصادی و صنعتی، مستقیم بر زندگی اقشار مختلف جامعه تأثیر گذاشت.

- تورم

تورم فزاینده، نتیجه تصمیمات اقتصادی مستبدانه، مستقیم بر زندگی اقشار پایین دست جامعه تأثیر گذاشت و زندگی آنان را آسیب‌پذیرتر کرد. طبق آمارهای رسمی، تورم در دوره‌های ابتدایی حکومت محمدرضا شاه یعنی سال ۱۳۲۳ از حدود ۲ درصد تا سالهای پایانی حکومت پهلوی به ۲۵ درصد افزایش پیدا کرده بود. شاید بارزترین خصوصیت ویژه اقتصاد ایران از ۱۹۴۱ به بعد، گرایش آن به سوی الگوهای ادواری رشد و رکود با بسامد زیاد بوده است. از جمله تأثیرات جنگ جهانی دوم و اشغال ایران از سوی متفقین می‌توان به انهدام صنایع نوپای احداث شده توسط رضا شاه، از دست دادن مهار اقتصاد کشور توسط حکومت ایران، تورم شدید قیمت‌ها و تشدید مهاجرت روستائیان به شهرها اشاره کرد (پیتراوری، ۱۳۹۲: ۱۶۰). تورم در واقع، میوه تزریق نامحدود سرمایه توسط دولت به اقتصاد کشور از سال ۱۳۵۴ به بعد بود. این پدیده به تورم داخلی رو به افزایش پیشین افزوده، و در عین حال مقارن شد با یک دوره بحرانی تورم جهانی. کنترل‌های مالی

نه‌چندان جدی و سخت که کمتر همزمان و نیز پیوسته بر فعالیت بخش عمومی و خصوصی اعمال می‌شد، همراه با کنترل شدید و سختگیرانه قیمت‌ها، طبعاً نتوانست وضع را بهتر کند (پیتراوری، ۱۳۹۲: ۱۷۳). وقتی درآمدهای کشور وارد توسعه زیرساخت و افزایش ظرفیت تولید ناخالص داخلی نشد و در کارهای غیر زیربنایی تزریق شد، موجب افزایش تقاضای کاذب (اغلب از جانب صاحبان مال) و افزایش تورم شد.

- کمبود امکانات

یکی از موارد نشان‌دهنده میزان امکانات و وضعیت زندگی مردم، سطح تقاضای آنها است به‌گونه‌ای که هرچه امکانات کمتر باشد، سطح تقاضا نیز به موارد اولیه و دم دستی اختصاص می‌یابد و اگر وضعیت مطلوب باشد، طبعاً سطح تقاضا، موارد عالیتری را در بر خواهد گرفت. عبدالمجید مجیدی وزیر کار و امور اجتماعی وقت در مصاحبه با ضیای صدقی از سطح تقاضای مردم در سفرهای خود به مناطق روستایی چنین می‌گوید:

"سالهایی که در سازمان برنامه بودم، خیلی تو مردم می‌رفتم و خیلی سعی می‌کردم در شهرهای کوچک حتی مناطق روستایی و این حرفها ببینم تقاضای مردم چیست؛ به طرف این تقاضاها بیشتر برویم و جواب اینها را بدهیم. اینها بیشتر تقاضاهایشان در حد ساخت و ایجاد یک قبرستان و ایجاد نمی‌دانم یک درمانگاه، ایجاد یک فرض کنید که مدرسه، فاضلاب و این قبیل چیزها بود" (لاجوردی، ۱۳۸۳: ۱۶: ۱۶۸). هم‌چنین اسدالله علم، وزیر دربار درباره‌ی وضعیت امکانات مناطق شهری نوشته است: "اینکه در مرز تمدن بزرگ، پایتخت کشور ما هنوز خاموشی برق داشته و هیچ سرویس صحیحی، نه آب، نه برق، حتی در پایتخت نتوانیم به مردم بدهیم، واقعا ننگ است؛ واقعاً ننگ است. به این دولت بی‌لیاقت نفرین و لعنت کردم و به هر حال تصمیم گرفتم ظرف امسال به هرصورتی هست کلک این دولت را بکنم. نه اینکه خودم رئیس دولت بشوم؛ فقط از جهت خدمت به شخص شاهنشاه. یک همچو حقه باز بی همه چیز که همه آبروی ما را به باد داده است" (عالیخانی، ۱۳۹۰: ۶: ۱۸۱).

- فاصله طبقاتی و فقر شدید طبقات پایین

طبقات شهری ایران در دوره پهلوی دوم به سه بخش «طبقه کارگر، طبقه متوسط و طبقه ممتاز» تقسیم می‌شدند. طبقه متوسط شهری جدید شامل متخصصان (پزشکان، حقوقدانان، مهندسان و...)، کارکنان دولت، مدیران، بخشی از کارکنان تأسیسات نظامی و کارفرمایان کوچک بود که از

افزایش قیمت نفت بسیار سود بردند (اسماعیلی، ۱۳۸۷: ۶۳). طبقه ممتاز با عناوین دیگری چون بورژوازی مدرن، طبقه حاکم، اعیان و اشراف، بزرگان و... نیز نامیده شده است که قابل تقسیم به دو بخش طبقه ممتاز دولتی و طبقه ممتاز غیردولتی است. این طبقه، که نزدیک به یک درصد از کل جمعیت را تشکیل می‌داد، شامل اعضای خانواده سلطنتی، ملاکان قدیمی که سرمایه خود را در صنایع مدرن به کار انداخته بودند، شماری از تجار بزرگ بازار و برخی از کارآفرینان جدید می‌شد. ایشان ثروت‌اندوزی را هدف اصلی خود قرار داده، و به‌رغم منافع مشترک اقتصادی، فاقد زمینه فرهنگی اجتماعی مشترک و آگاهی جمعی بودند (اسماعیلی، ۱۳۸۷: ۶۳).

درآمدهای نفتی و رونق اقتصادی ناشی از آن در خلال سالهای دهه ۱۳۴۰، باعث افزایش درآمد سرانه ایران از حدود دویست دلار به یک هزار دلار شد و یکی از بیشترین میزان رشد اقتصادی برای یک کشور بزرگ را به ثبت رساند؛ اما نتوانست باعث کاهش در اختلاف سطح درآمد بین طبقات مرفه و فقیر شود و حتی در نتیجه سیاست‌گذارانه‌های دولت مبتنی بر توجه بیشتر به طبقات بالا، باعث افزایش این اختلاف هم شد. در اواخر دهه ۱۳۴۰، مطالعه‌ای جامعه‌شناسانه توسط یک گروه پژوهشگر غربی از شکافی عظیم بین چگونگی زندگی ساکنان شمال شهر تهران و ساکنان جنوب تهران خبر داد و چنین عنوان کرد که: «به‌رغم نبودن آمار و اطلاعات درباره درآمد‌ها، تجربیات متفاوت نشان می‌دهد که در هیچ شهر اروپایی چنین شکاف عظیمی وجود ندارد. علاوه بر این، شواهد و دلایل مختلف نشان می‌دهد همراه با رشد اقتصاد ایران و رشد شهر تهران بر وسعت این شکاف افزوده می‌شود (Conell, 1973: 13).

بر پایه مطالعه حسین عظیمی درباره فقر در ایران در سال ۱۳۵۱، مصرف کالری ۱۶ میلیون نفر (یعنی ۵۲ درصد جمعیت) از حداقل نیاز کمتر بود؛ ۴ میلیون نفر از این عده (یعنی ۱۳ درصد جمعیت) بشدت دچار سوء تغذیه بودند (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۳۱۹).

یافته‌های تحقیق

- تحلیل متن

در گام اول تحلیل مضمونی لازم است مضمونهای پایه‌ای از متون اصلی استخراج شود. در اینجا متون اصلی، که نقل قولهایی از نزدیکان و کارگزاران پهلوی و از گزارشهای محرمانه شرح وقایع است، قبلاً انتخاب شده و در قالب شناسه‌هایی سازماندهی شده است. هر کدام از این نقل

قولها حاوی مضمونی است که با خواندن آن متن مستقیماً به ذهن متبادر می‌شود. این مضمونها که از متون اصلی استخراج شده است، «مضمونهای پایه‌ای» نامیده می‌شود (ردادی و دیگران، ۱۳۹۴: ۶۳). هم‌چنین به دلیل پرهیز از تکرار، متون اصلی منبع در جدول جداگانه‌ای آورده، و در جدول مضمونهای پایه‌ای به ذکر شناسه و شماره صفحه بسنده می‌شود.

جدول ۱. متون منابع اصلی شناسه‌گذاری شده

ردیف	عنوان منبع	نسبت	شناسه
۱	علم، امیراسدالله (۱۳۹۰)، یادداشتهای علم/ متن کامل دست‌نوشته امیراسدالله علم؛ ویرایش از علینقی، عالیخانی، تهران، کتابسرا، ۱۳۵۲	وزیر دربار و نخست‌وزیر ایران از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۲	A جلد سوم AA جلد اول AAA جلد ششم
۲	اسناد لانه جاسوسی، جلد هفتم، کتاب شصت و سوم، دخالت‌های امریکا در ایران، سند ۲۷.۹ دی ۱۳۵۷	سفارت امریکا	B
۳	اسناد لانه جاسوسی، ج هفتم، کتاب هفتاد و هفت، اسناد منتشر نشده، زندگینامه رجال، ۳ اوت ۱۹۵، گفتگوهای با جمشید آموزگار	نخست‌وزیر و وزیرکار	C
۴	مجموعه تاریخ ایران کمبریج، دوره پهلوی/ پیتراوری، گاوین همیلی و چارلز ملویل، ترجمه مرتضی ثاقب فر/ تهران، چ نیل، ج هفتم، دفتر دوم ۱۳۹۲ چ سوم	-	D
۵	ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تألیف حسین فردوست، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، انتشارات اطلاعات، ج اول	همدرس و رئیس دفتر ویژه اطلاعات محمدرضا پهلوی	E
۶	آیندگان و روندگان به کوشش حسین دهباشی. مصاحبه با داریوش همایون، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۳۹۳	سخنگوی دولت جمشید آموزگار	F
۷	اقتصاد و امنیت به کوشش حسین دهباشی. مصاحبه با علینقی عالیخانی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۳۹۳	وزیر اقتصاد وقت	G

جدول ۲. تبدیل نقل قول به مضمونهای پایه‌ای

شناسه	نقل قول	منبع	مضمون پایه‌ای
۱	عاملی که به این ازهم‌گسیختگی یاری کرد، افزایش در آمد نفت بود که به گمان شاه می‌بایست در سالهای آینده نیز همچنان ادامه یافته و به او امکان دهد به رؤیاهای دیرینه خود درباره قدرت نظامی و اقتصادی ایران به آن‌گونه که خود تعبیر می‌کرد جامه عمل بپوشد.	A 12	پادشاه قدرت‌طلبی نظامی را بر رفاه عمومی ترجیح می‌داد.
۲	برنامه‌های غیرنظامی در راه کسب تجهیزات نظامی و افزایش تورم که دائماً فراتر از افزایش حقوق و دستمزدها بود و نمی‌توانست چشم‌اندازهای موجود در رابطه با افزایش سطح زندگی را برآورده سازد، از جمله اشتها در زمینه افزایش سطح زندگی را برآورده سازد و نیز مهمترین عوامل نارضایتیها به‌شمار می‌آمد.	B 36	اشتهای قدرت‌طلبی نظامی پادشاه، عامل نارضایتی مردم از وضع موجود شده بود.
۳	دکتر آموزگار گفت که شاه را باید متقاعد کرد که به نیروهای نظامی بیشتری نیاز ندارد. هم‌چنین شاه باید متقاعد شود که وجود ارتش کوچک و وفادار و خوب آموزش‌دیده که تنها علت وجودیش حفاظت از شاه در مقابل خطرات داخلی باشد، عاقلانه به‌نظر می‌رسد.	C 162	روحیه سیری‌ناپذیر شاه در کسب قدرت نظامی موجب انتقاد کابینه شده بود.
۴	گام نخست و مهم شاه برای تحمیل اراده خود بر اقتصاد در ۱۹۶۲ و هنگام اعلام رسمی اصلاحات ارضی برداشته شد. شاه پس از آغازی نامطمئن سر رشته اصلاحات ارضی را به‌عنوان وسیله اصلاحات سیاسی به‌دست گرفت تا بتواند قدرت را از طبقه مالکان بزرگ ارضی بگیرد و حمایت روستاییان را جلب کند.	D 175	شاه اراده خود را بر سیاست و برنامه کشور تحمیل می‌کرد.
۵	این اصلاحات بر قلب حیات اقتصادی و اجتماعی ایران تأثیر گذاشت. برای این اصلاحات چنان اهمیتی قائل بودند که قربانی کردن برنامه در صورت تحقق اصلاحات کاملاً توجیه‌پذیر بود. بعداً اصلاحات گسترده‌تر شد و نکات متعددی را در بر گرفت که چندان اساسی نبود و حتی ربطی به ایرانیان عادی نداشت؛ از این‌رو از ارزش اصلاحات کاستند.	D 176	سیاستهای تحمیلی پادشاه، موجب تضعیف برنامه‌های توسعه‌ای می‌شد.
۶	مسیرها و دستورالعمل‌های جریان تغییر اقتصادی در دوره پس از ۱۹۶۲ - ۱۹۶۳ نه‌تنها با برنامه‌های اقتصادی (سازمان برنامه) بلکه با برنامه اصلاحات شاه - یعنی انقلاب سفید - تعیین می‌شد که به رهنمود اصلی کابینه آقای هویدا تبدیل شد. در واقع برنامه سوم عمرانی کنار گذاشته شد تا راه برای اصلاحات ارضی باز شود. برنامه چهارم نیز به‌علت ارائه فهرست بلند بالای برنامه شاه دچار تغییرات کلی شد.	D 176	سیاستهای تحمیلی پادشاه موجب تغییر و تضعیف برنامه‌های سازمان برنامه می‌شد.
۷	جریان کلاهبرداری چه بود؟ ماجرا از این قرار بود: یک یهودی ثروتمند و معروف به نام جلال آهنچیان به گلسترخی، وزیر منابع طبیعی، می‌گفت که فلان بازاری یا مالک، یک میلیون متر مربع زمین در فلان منطقه دارد که متری ۱۰۰۰ تومان می‌ارزد یا چند هکتار زمین در فلان روستا دارد که یک میلیارد تومان می‌ارزد. کافی است که آگهی دهید و این زمین را به استناد ماده ۵۶، جزو اراضی منابع طبیعی (ملی) اعلام کنید. من (آهنچیان) از صاحب زمین ۵۰۰ میلیون تومان برای شما (گلسترخی) می‌گیرم و یک هفته بعد اعلام کنید که در روزنامه اشتباه شده و زمین جزو منابع طبیعی نیست. البته آهنچیان حدود نصف مبلغ را از گلسترخی می‌گرفت و از صاحب زمین نیز مبلغ کلانی برای خود دریافت می‌کرد. این کار عادت آهنچیان و گلسترخی شده بود.	E 271	کلاهبرداری و فساد در میان مسئولان باعث به تاراج رفتن اموال و داراییهای مردم می‌شد.

ادامه جدول ۲. تبدیل نقل قول به مضمونهای پایه‌ای

شناسه	نقل قول	منبع	مضمون پایه‌ای
۸	در دوران مسئولیتم در بازرسی متوجه شدم که اصولاً موارد سوءاستفاده و حیف و میل نهایت ندارد. در دوران ۱۳ ساله نخست‌وزیری هویدا همه می‌چاپیدند و هویدا کاملاً نسبت به این وضع بی‌اعتنا بود، در صورتی که یکی از مهمترین وظایف رئیس دولت جلوگیری از فساد و حیف و میل اموال دولتی است. در هیچ زمانی به اندازه دوران هویدا فساد گسترده نبود.	E 267	فساد و ضعف کارکردی مسئولان موجب اتلاف و چپاول اموال ملی و دولتی می‌شد.
۹	معلوم شد که این سیمان‌ها متعلق به مجید اعلم، دوست محمدرضا است که بی‌وقفه هر شب با او بود. گزارشی تهیه شد که مجید اعلم صدها مقاطعه از سازمان برنامه گرفته و پس از تصویب طرح‌ها، سیمان مربوط را از سازمان برنامه گرفته و احتکار کرده و سپس طرح بدون سیمان را در مقابل گرفتن ۲۰٪ ارزش کل پروژه‌ها به دیگران واگذار کرده است و بدین ترتیب هم صاحب صدها هزار کیسه سیمان شده و هم ۲۰٪ ارزش کل پروژه‌ها را گرفته است. او سیمان را به قیمت دولتی کیسه‌ای ۷۵ ریال می‌گرفت و به قیمت ۲۵۰ الی ۳۲۰ ریال در بازار آزاد می‌فروخت. گزارش به همراه آلبوم عکس از انبارهای سیمان به محمدرضا تحویل گردید و فردای آن روز بدون دستور نردم عودت داده شد. من نیز پرونده را همراه با نامه‌ای به دادگستری تحویل دادم؛ ولی در آنجا بایگانی شد.	E 267 268	فساد اقتصادی دوستان و نزدیکان به خاندان پهلوی موجب بروز مشکلات اقتصادی می‌شد.
۱۰	پس از ۲۸ مرداد، خسروانی و باشگاه، تاجش به بلای جان مردم تبدیل شد. او راه می‌افتاد و هرجا که زمین شهری مرغوبی می‌دید به مالک آن مراجعه می‌رود. اگر طرف حاضر می‌شد زمین را به او واگذار کند فیها وگرنه یک جوخه ژاندارم می‌رفت و یک پرچم سلطنتی را در وسط زمین فرو می‌کرد و خسروانی صاحب زمین را تهدید می‌کرد. سند به نام خسروانی، زن یا دو دخترش صادر می‌شد. چنین آدمی را هویدا سرپرست سازمان تربیت بدنی کرده بود.	E 269	سواستفاده از قدرت توسط کارگزاران پهلوی باعث به تاراج رفتن اموال ملی می‌شد.
۱۱	هنگامی که مسئولی با دست تھی به منطقه‌ای می‌رود که مردمانش نه امنیت دارند و نه آسایش و دولت مرکزی نیز کاری به کار آنان ندارد و فریادرسی در میان نیست، این مسئول درواقع در شرایطی اضطراری و همانند جنگ به‌سر می‌برد و اگر بخواهد کاری از پیش برد، ناچار است گاهی روشی خشونت آمیز در پیش گیرد.	AA 36	کارگزاران پهلوی عملاً در رفع مشکلات مردم دچار استیصال بودند.
۱۲	کارهای کوچک، مثل تأمین گوشت مملکت، آسفالت، و برق و تلفن که واقعاً بی‌اهمیت است ولی در زندگی عمومی و روزمره مردم تأثیر زیاد دارد، همه‌جا خراب است و [علت آن] فقط بی‌لیاقتی مأمورین می‌باشد. حیف و صد حیف.	AA 225	بی‌لیاقتی کارگزاران پهلوی موجب کمبود امکانات شده بود.
۱۳	سیاست اقتصادی بی بند و بار دولتهای اقبال و شریف امامی نیز موجب کمبود ارزی و تورم و رکود و در نتیجه نارضایتی و اعتراض مردم شده بود.	AA 42	سیاست غلط اقتصادی دولت موجب بروز بحران شده بود.

ادامه جدول ۲. تبدیل نقل قول به مضمونهای پایه‌ای

شناسه	نقل قول	منبع	مضمون پایه‌ای
۱۴	از همان حدود جشنهای شاهنشاهی دوست داشت چنین پندارد که ایران را دیگر نباید جزو کشورهای دنیای سوم دانست و به کشورهای پیشرفته پیوسته است. پس از افزایش درآمد نفت در ۱۳۵۲ با ولع عجیبی به هزینه‌کردن آن پرداخت. به تقلید از کشورهای پیشرفته، وامهای هنگفتی به شماری از کشورها داد. بی‌آنکه در همه موارد بررسی کافی درباره توجیه این پرداختها و چگونگی بازگشت آن شده باشد.	AA 107	پادشاه خرجهای بی‌حساب و کتاب ارزی داشت.
۱۵	عرض کردم مردم از اینکه قیمت آب را یک دفعه دو برابر کرده‌اند ناراحت هستند خیابانها خراب است. در گمرکات دزدی و سوء استفاده زیاد شده اعتبارات را به علل اقتصادی در شب عید محدود کرده‌اند. عده‌ای در حال ورشکستگی هستند و به دانشگاه پول نمی‌رسد. خیلی شاهنشاه ناراحت شدند و با من تندی فرمودند. فرمودند «وقتی پول نیست چکار کنم؟»	AA 144	پادشاه در حل مشکلات دچار استیصال بود.
۱۶	بعد از یک ماه سفیر شوروی به ملاقات من آمد و گفت با کمال میل این اسلحه را در اختیار ما می‌گذارند، مشروط به اینکه تا خاتمه جنگ در اختیار [ارتش] شوروی بماند. به‌راستی شگفت‌انگیز است که در آن سالهای جنگ که مردم بدبخت ایران از همه چیز محروم بودند در تنها فرصتی که شاه پیدا می‌کند تا با یکی از پرقدرت‌ترین مردان جهان درباره نیازمندیهای مقدم کشور فقیر و عقب‌مانده‌اش سخن گوید، گفت‌وگو فقط از تانک و هواپیماست.	AA 80	اولویت اصلی پادشاه حل مشکلات معیشتی مردم نبود.
۱۷	شاه در مرحله دوم به همه چیزهایی که موجب کامیابی او در مرحله نخستین شده بود، پشت پا زد؛ برنامه‌ریزی درازمدت اقتصادی را به‌دور افکند و در گزینش سیاست اقتصادی و طرحها و ترتیب تقدم آنها، هوس، جانشین محاسبه و منطق شد، بخش خصوصی را هراسان ساخت و سیاستی را که موجب تورم می‌شد در پیش گرفت. همه این عوامل دست به دست هم دادند و زندگی را بر توده مردم - که با بوق و کرنای تبلیغات دولتی درباره «پیروزی نفت» در انتظار روزهای درخشانتری بودند - تنگ و آنان را دلسرد و خشمگین ساخت.	AA 108 109	رای پادشاه موجب ناکامی برنامه‌های توسعه‌ای شد.
۱۸	یعنی آنها دیده بودند که به کجا می‌رسد؛ منتها شاه اصلا گوش نمی‌داد. هویدا هم می‌گفت هرچه اقتصاددانها بگویند من خلافشان عمل می‌کنم. [چنین] روحیه ای بود.	F 146	رای مسئولان موجب ناکامی برنامه‌های توسعه‌ای شد.
۱۹	یک شاهدختی، یک معاون وزارت اطلاعات و جهانگردی منصوب کرده بود، یک معاونت ما داشتیم، پولی هم می‌دادیم، معنی هم نداشت. آن معاونت را ما اصلا حذف کردیم یا مثلا می‌خواستند یک وام چهارصد میلیون تومانی آن وقت چهارصد میلیون خیلی پول بود ما از بودجه مان به آنها بدهیم که هتل پنج ستاره بسازند.	F 214	خانندان پهلوی خرجهای گزافی از بودجه ملی انجام می‌دادند.
۲۰	[یک جاهایی مثل] شرکت نفت و ارتش و جاهایی که نه سوء استفاده ولی ریخت‌وپاش فراوانی بود؛ مثل سازمان انرژی اتمی، بله پولها تلف می‌شد، می‌رفت هرچور... آخر در آن موقعیت مثل بسیاری از کشورها، بودجه سالانه مؤسسات دولتی اگر هزینه نمی‌شد، سال آینده کم می‌شد از سهمیه‌شان.	F 317	فساد اقتصادی در سازمانهای دولتی باعث هدررفت بودجه می‌شد.

ادامه جدول ۲. تبدیل نقل قول به مضمونهای پایه‌ای

شناسه	نقل قول	منبع	مضمون پایه‌ای
۲۱	دلپش سوء مدیریت در آن دو دولت بود یا فساد، یا ترکیبی از هر دو؟ نه مطلقاً بی‌شعوری، مطلقاً. یعنی مسئولهای دولت حالی‌شان نبود و آنهایی هم که سرکار بودند و وارد بودند تا یک مقداری می‌توانستند حرفشان را بزنند. کسانی بودند که وارد بودند اما حرف هم که می‌زدند گوش کسی بدهکار نبود و در نتیجه فکر می‌کردند که با همین سیستم می‌توانند ادامه بدهند. خود شاه هم هرگز نفهمید که چرا این تثبیت اقتصادی لازم بود. خود او هم فکر می‌کرد که امینی مسئول رکود شده است ... بتدریج سیاست اقتصادی ما خیلی بی‌در و پیکر شده بود.	G 106	سیاست غلط دولت در راستای سیاست پادشاه، بدون برنامه‌ریزی و محاسبه موجب بروز مشکلات گوناگون می‌شد.
۲۲	هزینه‌های بسیار زیادی که از جهت کمک به این و آن به دربار تحمیل می‌شود و مثلاً کار پانصد هزار تومانی را به یک میلیون تومان، علیا حضرت شهبانو دستور می‌فرمایند به فلان مهندس یا فلان کس بدهیم.	AA A 16	شهبانو به عده‌ای از بودجه کشور رانت اقتصادی می‌داد.
۲۳	هم‌چنین در مورد مسافرت هر سه ماه سرکار خانم آفریده دیبا به مشهد برای غبارروبی و کرایه یک هواپیمای دربست به حساب دربار به مبلغ یک‌صد و بیست‌هزار تومان اعلیحضرت همایونی که ماشاءالله دریا دل است، می‌خندیدند من هم می‌خندیدم.	AA A 161	مادر شهبانو خرجهای گزافی بر بودجه بار می‌کرد.
۲۴	من همیشه ذخیره‌ای در دربار دارم. حالا هم حدود صد میلیون تومانی پول برای مخارج غیر مترقبه و غیر اداری شاهنشاه در ذخیره و گردش نگاه می‌دارم. ولی موضوع را فقط بهبهانیان و خودم می‌دانیم. چون اگر به عرض شاهنشاه دریا دل که پول در نظر او با خاک برابر است برسد؛ یک روزه تمام می‌شود چه باید کرد.	AA A 198	پول ملی نزد پادشاه به دلیل توسعه‌نیافتگی اقتصادی، بی‌ارزش بود.
۲۵	والا حضرت شمس پنج میلیون دلار توسط بانک عمران از فرست نشنال سیتی بانک نیویورک برای کارهای عمرانی قرض کرده‌اند، نمی‌پردازند.	AA A 294	شمس پهلوی دولت را مقروض می‌کرد.
۲۶	عرض کردم: والا حضرت شاهدخت اشرف دیشب امر مبارک را به من ابلاغ فرمودند که به دولت بنویسم سالیانه بیست میلیون تومان برای مخارج دفتری و غیره ایشان داده شود.	AA A 421	اشرف پهلوی بر بودجه دولت هزینه گزاف تحمیل می‌کرد.

جدول ۳. از مضمونهای پایه‌ای به مضمونهای فراگیر

ردیف	مضمونهای پایه‌ای	مضمونهای سازمان‌دهنده	مضمونهای فراگیر
۱	پادشاه، قدرت‌طلبی نظامی را بر رفاه عمومی ترجیح می‌داد.	اولویت کسب قدرت نظامی بر ایجاد توسعه اقتصادی	خودرأیی و خودکامی شاه عامل اصلی در بروز مشکلات اقتصادی و عدم توسعه است.
۲	اشتهای قدرت‌طلبی نظامی پادشاه، عامل نارضایتی مردم از وضع موجود شده بود.		
۳	روحیه سیری‌ناپذیر شاه در کسب قدرت نظامی موجب انتقاد کابینه شده بود.		
۴	شاه اراده خود را بر سیاست و برنامه کشور تحمیل می‌کرد.		
۵	سیاستهای تحمیلی پادشاه، موجب تضعیف برنامه‌های توسعه‌ای می‌شد.		
۶	سیاستهای تحمیلی پادشاه موجب تغییر و تضعیف برنامه‌های سازمان برنامه می‌شد.		
۷	پادشاه در حل مشکلات دچار استیصال بود.		
۸	اولویت اصلی پادشاه حل مشکلات معیشتی مردم نبود.		
۹	رأی پادشاه موجب ناکامی برنامه‌های توسعه‌ای شد.		
۱۰	کلاهبرداری و فساد در میان مسئولان باعث به تاراج رفتن اموال و داراییهای مردم می‌شد.	فراوانی نقص موجب فساد در عملکرد مسئولان	نقص و ضعف عملکرد مسئولان دولت و کارگزاران پهلوی موجب پیشرفت مشکلات اقتصادی و معیشتی شده است.
۱۱	فساد و ضعف کارکردی مسئولان موجب اتلاف و چپاول اموال ملی و دولتی می‌شد.		
۱۲	سواستفاده از قدرت توسط کارگزاران پهلوی باعث به تاراج رفتن اموال ملی می‌شد.		
۱۳	کارگزاران پهلوی عملاً در رفع مشکلات مردم دچار استیصال بودند.	ضعف عملکردی مسئولین در حل مشکلات	
۱۴	بی‌لیاقتی کارگزاران پهلوی موجب کمبود امکانات شده بود.		
۱۵	سیاست غلط اقتصادی دولت موجب بروز بحران شده بود.		
۱۶	فساد اقتصادی در سازمانهای دولتی باعث هدررفت بودجه می‌شد.	سیاستهای غلط دولتی عامل هدررفت سرمایه	
۱۷	سیاست غلط دولت در راستای سیاست پادشاه، بدون برنامه‌ریزی و محاسبه موجب بروز مشکلات گوناگون می‌شد.		
۱۸	رأی مسئولین موجب ناکامی برنامه‌های توسعه‌ای شد.		

ادامه جدول ۳. از مضمونهای پایه‌ای به مضمونهای فراگیر

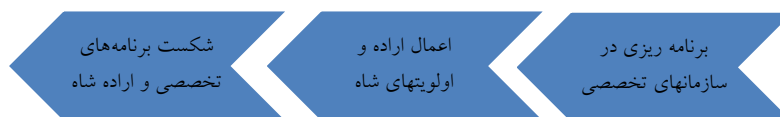
ردیف	مضمونهای پایه‌ای	مضمونهای سازمان‌دهنده	مضمونهای فراگیر
۱۹	فساد اقتصادی دوستان و نزدیکان به خاندان موجب بروز مشکلات اقتصادی می‌شد.	فساد اقتصادی در میان نزدیکان پهلوی	فساد اقتصادی در میان نزدیکان و خاندان پهلوی باعث کاهش توانایی حکومت در حل مشکلات مردم شده است.
۲۰	شهبانو به عده‌ای از بودجه کشور رانت اقتصادی می‌داد.		
۲۱	خاندان پهلوی خرجهای گزافی از بودجه ملی انجام می‌دادند.	ولخرجی خاندان پهلوی	
۲۲	مادر شهبانو خرجهای گزافی بر بودجه بار می‌کرد.		
۲۳	پول ملی نزد پادشاه به دلیل توسعه‌نیافتگی اقتصادی، بی‌ارزش بود.	ولخرجی پادشاه	
۲۴	پادشاه خرجهای بی‌حساب و کتاب ارزی داشت.		
۲۵	شمس پهلوی دولت را مقروض می‌کرد.	سواستفاده خاندان پهلوی از بودجه ملی	
۲۶	اشرف پهلوی بر بودجه دولت هزینه گزاف تحمیل می‌کرد.		

- کشف و توصیف شبکه مضمونهای

با بررسی و تحلیل مضمونهای مرتبط با عوامل و زمینه‌های بروز مشکلات اقتصادی و اجتماعی نظیر عدم توسعه‌یافتگی، فقر و محرومیت و فاصله طبقاتی، سه مضمون فراگیر ذیل استخراج می‌شود:

۱. اشکالات ساختاری سیاست اصلاحات ارزی، زمینه‌ساز بروز مشکلات اقتصادی شد.

پادشاه به‌عنوان شخص اول مملکت و عامل دخیل در تصمیمات کلان است؛ با این حال محمدرضا پهلوی حتی در تصمیمات خرد نیز دخالت می‌کرد و همین عامل باعث می‌شد که برنامه‌هایی که توسط متصدیان و متخصصان به‌منظور توسعه اقتصادی و حل مشکلات طراحی شده بود، تحت‌الشعاع اراده و خواست شاه قرار گیرد و ناکام بماند؛ به عبارت دیگر الگویی ایجاد شده بود که طی آن خواسته‌های شاه می‌بایست خارج از برنامه انجام می‌شد و برنامه‌های دیگر نیز از مسیر مناسب باز می‌ماند و هر دو امر نتایج زیانباری را در سطح کلان جامعه به بار می‌آورد.



شکل ۱. سامانه تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات در حکومت پهلوی دوم

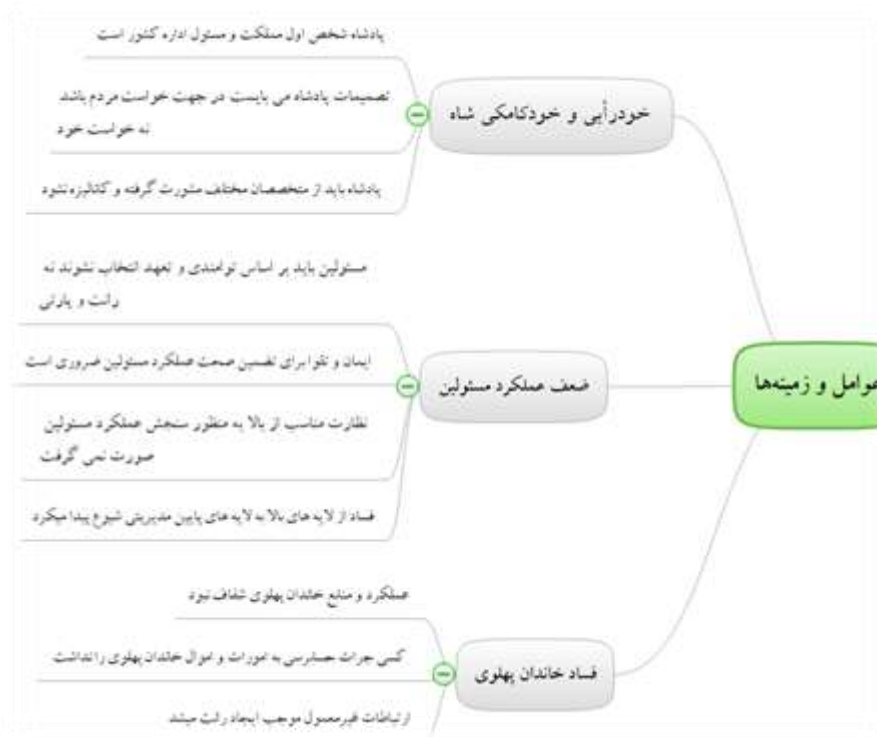
ساختار اصلاحات ارضی، که توسط شخص شاه در ظاهر با هدف کوتاه کردن دست فئودالها انجام شد در واقع قشر جدیدی از سرمایه‌داران را برای استثمار زراعتکاران و کشاورزان ایجاد کرد. این سیاست از ابتدا نیز بنا نداشت تا تغییرات ریشه‌ای در روابط سنتی مالک و کشاورز ایجاد کند و تنها باعث حذف برخی از مالکان زمینها و رویدن نسل جدیدی از آنها و بورژوازی دهقانی شد.

۲. عدم توزیع منابع مختلف به دلیل نبود سامانه‌های کارآمد و شایسته عامل گسترش مشکلات اقتصادی شد.

کشور ایران دارای منابع غنی نفتی بود که از محل فروش آن، دیگر منابع مورد نیاز وارد کشور می‌شد. فارغ از نبود برنامه‌ریزی صحیح به منظور اولویت‌بندی مصارف بودجه عمومی، توزیع مناسب منابع در جهت توسعه زیرساختهای مسکونی، شهری، کشاورزی و صنایع مولد و غیرنفتی، نیازمند وجود سامانه اجرایی مسئولان و مدیران شایسته بود. مسئولان و کارگزاران در حکومت پهلوی به دو دسته تقسیم می‌شدند: یک دسته مانند هویدا در تصمیم‌گیریهای شاه دخیل بودند؛ بر تصمیمات وی تأثیر می‌گذاشتند و هم از وی تأثیر می‌پذیرفتند و از فرصتهای موجود فراروی آنها ناشی از غفلت شاه و ضعف سامانه نظارتی در جهت توزیع منابع به صلاحدید و منافع شخصی و گروهی خود استفاده می‌کردند. دسته دیگر مدیران و مجریان بودند که با نگاهی به مدیران بالادستی، مرتکب فساد اقتصادی و دامن زدن به مشکلات اجتماعی و زندگی مردم می‌شدند.

۳. نادیده گرفتن قانون اساسی و توزیع رانتهای غیرقانونی، باعث نهادینه شدن مشکلات اقتصاد شد. ایجاد انحصار در هر حوزه‌ای باعث توزیع رانت در آن حوزه می‌شود. از آنجا که گفتمان دولت اقتدارگرای بوروکراتیک پهلوی بشدت به ایجاد انحصار در بخشهای مختلف اعم از اقتصادی و سیاسی متمایل بود، نزدیکان، اقوام و دوستان صمیمی شخص پادشاه یا بستگان درجه یک پادشاه اغلب مجراهای اقتصادی کشور را در دست داشتند یا در آن نقش آفرینی می‌کردند. مطابق با این مضمونها آنان نه تنها به مسائل اقتصادی کشور و مشکلات معیشتی مردم اهمیتی نمی‌دادند بلکه به دلیل دسترسی آسان به منابع ملی، علاوه بر ولخرجی‌های شخصی، راه دیگر ثروت‌اندوزان و دست‌یازان به ثروت ملی را باز می‌کردند و همین عامل موجب کاهش توانایی دولت برای حل مسائل می‌شد؛ به عبارتی بودن یا نبودن دولت در آن زمان تغییری در شرایط اقتصاد خرد کشور و معیشت مردم ایجاد نمی‌کرد. مجموعه این موارد که در چارچوب عوامل اصلی زمینه‌ساز محرومیت و فاصله طبقاتی وجود داشت به عنوان عوامل ثانویه در شکل زیر نمایش

داده شده است:



نمودار ۲. شبکه مضمونهای عوامل و زمینه‌های ثانویه محرومیت و فاصله طبقاتی در جامعه ایران عصر پهلوی دوم

نتیجه‌گیری

با تحلیل مضمونی عوامل و زمینه‌های محرومیت و فاصله طبقاتی در جامعه ایران عصر پهلوی دوم در الگوی توسعه‌ای پهلوی ملاحظه شد که اگرچه سیاستهایی چون انقلاب سفید برای جلوگیری از وقوع انقلاب سرخ (کمونیستی) طراحی شده بود در عوض، راه انقلاب اسلامی را هموار کرد. افزون بر این عوامل، رشد پیوسته جمعیت به همراه کمبود زمینهای قابل کشت، موجب شکل‌گیری حلی‌آبادهای شهری شد؛ بدین ترتیب درحالی که برنامه اصلاحات ارضی در بخش سلبی اهداف خود یعنی ویران کردن پایگاه مالکان «به طرز شگفت‌انگیزی خوب» عمل کرد، در

بخش ایجابی یعنی «بنا نهادن نهادهای جانشین...» به اشکال برخورد؛ به همین علت به مرور زمان تأثیرات زیانبار آن در جامعه ظاهر شد. بیکاری به دلیل نبودن زیرساخت و جانشین در آمدی موجب فقیر شدن مردم و کمبود امکانات زیرساختی و اولیه سبب ایجاد محرومیت در جامعه شد. سه گزاره اصلی، که با تحلیل مضمونی متون خود گفته پهلویها استخراج شد، عوامل اصلی بروز این دست مشکلات بود: ۱. مشکل ساختاری اصلاحات ارضی که با هدف کاستن نقش فئودالها صورت گرفت به طبقه رعیت کمکی نکرد و عملاً محرومیت در گونه‌های جدید ادامه پیدا کرد. ۲. عدم توزیع منابع مختلف مادی به دلیل نبود نهادهای میانجی میان دولت و حکومت. در این زمینه فقط وزارت کشاورزی بود که به تنهایی نمی توانست این مسئولیت بزرگ را به پیش ببرد. ۳. عمل نکردن مناسب به قانون اساسی و زیرپا گذاشتن مفاد مدنی مربوط به اجرای عدالت اجتماعی که این عامل هم با وجود ساختار اقتدارگرای رژیم غیرممکن بود. در نهایت، ملت ایران، که پاسخ معتبر خواسته‌های خود را در آرمانهای امام خمینی (ره) یافته بود برای به چالش کشیدن اقتدار پهلوی و به زیر کشاندن گفتمان استبداد در ایران به خیابانها ریخت و حکومتی را ساقط کرد که زمینه‌ساز ایجاد عوامل محرومیت و فاصله طبقاتی بود.

منابع

- اسناد لانه جاسوسی امریکا (سفارت سابق) در ایران، ج هفتم، فایل پی دی اف.
- آبراهامیان، ارواند (۱۳۸۹)، *تاریخ ایران مدرن*، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی، چ دوم.
- پیتراوری، گاوین؛ همیلی، چارلز ملویل (۱۳۹۲)، *مجموعه تاریخ ایران کمبریج، دوره پهلوی*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، ج هفتم، تهران: چاپ نیل.
- شیخ‌زاده، محمد؛ تسلیمی، محمد سعید؛ عابدی جعفری، حسن؛ فقیهی، ابوالحسن (۱۳۹۰)، تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده های کیفی، *اندیشه مدیریت راهبردی*.
- علم، امیر اسدالله (۱۳۹۰)، *یادداشت‌های علم/ متن کامل دست‌نوشته امیر اسدالله علم، ج سوم (۱۳۵۲) و ج ششم (۱۳۵۶ - ۱۳۵۵)*، ویرایش علینقی عالیخانی، تهران: کتابسرا.
- فردوست، حسین (۱۳۸۱)، *ظهور و سقوط سلطنت پهلوی*، ج اول، تهران: انتشارات اطلاعات.
- لاجوردی، حبیب (۱۳۸۳)، *پروژه تاریخ شفاهی ایران (دانشگاه هاروارد)*، ج ۱ و ۱۶ تهران: صفحه سفید.
- لاجوردی، حبیب (۱۳۸۳)، *پروژه تاریخ شفاهی ایران (دانشگاه هاروارد)*، ج بیستم، تهران: صفحه سفید.
- ملک محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۱)، *از توسعه لرزان تا سقوط شتابان: توسعه اقتصادی - نظامی و بی‌ثباتی سیاسی رژیم پهلوی دومی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- همایون کاتوزیان، علی (۱۳۸۶)، *اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، چ سیزدهم.
- ردادی، محسن؛ درخشه، جلال؛ افتخاری، اصغر (۱۳۹۴)، تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، *جستارهای سیاسی معاصر*، ش ۳.
- فلاح‌زاده، سید حسین (۱۳۹۱)، *رضا خان و توسعه ایران*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نیکفر، جاسب؛ علی‌یاری، حسن (۱۳۹۶)، *آسیب‌شناسی انحطاط دولت اقتدارگرای بوروکراتیک محمدرضا پهلوی، دولت‌پژوهی*، ش ۱۲.
- اسماعیلی، محمود (۱۳۷۸)، *صورت‌بندی شکافهای اجتماعی در عصر پهلوی دوم و تأثیر آن بر انقلاب اسلامی*، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- بانک مرکزی ایران، گزارش سالانه سال ۱۳۵۵.
- بانک مرکزی ایران، گزارش سالانه و ترازنامه ۱۳۵۴ - ۱۳۵۳.
- وزارت اقتصاد، گزارشهای سالانه سالهای مختلف.
- بانک جهانی، گزارش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی.

<https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.KD.ZG?end=1978&locations=IR&start=1961&view=chart>

Connel, John. "Tehran: Urbanization and Development". Institute of Development Studies Discussion Paper, No. 32, (September\1973)

J, Stirling Attridge 2001, An Analytic Tool for Qualitative: Networks Thematic Research
Qualitative Research.

John Connell 1973, Tehran: Urbanisation and development, Institute of development studies
discussion paper ,p.17



The Deprivation Cases and Social Gap in the Second Pahlavi Era (Causes and Contexts)

Ali Reza Naderi *
Hamid Reza Hooshangi **

The economic situation and growth and development of Iran during the ups and downs of the Pahlavi regime have raised a question occupying the minds of scholars of the Islamic Revolution. Despite the various issues being proposed in this regard, few significant documentary researches have been carried out. Using content analysis method for the analysis of the documents published by family members and agents of the Pahlavi regime, and official and oral documents and memoirs including Harvard's oral history including interviews with Pahlavi agents, Assadollah Alam's memoirs, Cambridge history, while reviewing the economic and living state, the research made an attempt to analyze political and social issues such as the factors of poverty and deprivation and increase of the class gap, for achieving the following main themes in creating the conditions for the decline of Iran's economy and the quality of society: 1. The structural land reform aimed at reducing the role of the feudal lords did not help the peasantry, and in practice deprivation continued in new forms. 2. Deficiency in the distribution of various material resources due to lack of mediating institutions between the government and the state. 3. Violating the constitution and the civil law related to the implementation of social justice due to the authoritarian structure of the government.

Keywords: *Pahlavi, economic development, poverty, social gap, deprivation.*

* Corresponding author: master of Islamic knowledge and political Sciences, Imam Sadegh University ar.naderi@isu.ac.com

** Assistant professor in political sciences, Imam Sadegh University h.hooshangi@isu.ac.ir